

The Methods of Trust-Building by Prophets (Peace Be Upon Them) in the Moral Education of Trainees from the Perspective of the Quran*

Elaheh Abdolali Nejad,¹  Ali Hemmat Benari,²  Naser Nourmohammad³ 

1-Level 4 Graduate, Department of Comparative Interpretation, Rokn al-Hoda Institute of Higher Education, Kerman, Iran (Corresponding Author).
e.abdolalinejad@whc.ir

2-Assistant Professor, Department of Educational Sciences, al-Mustafa International University, Qom, Iran.
ah.banari@gmail.com

3- PhD Graduate, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
nasernor33@gmail.com



Abstract

The acceptance of the educator and the trust of the trainee in them are among the most important factors that facilitate moral education. Without these, any educational effort will not be fruitful. The divine prophets, being aware of this crucial aspect, used various methods of trust-building in fulfilling their primary mission-moral education. Understanding and modeling these methods, which were carried out under divine guidance and whose effectiveness is guaranteed, are of great importance for

*Cite this article: Abdolali Nejad, Elaheh, Benari, Ali Hemmat, Nourmohammad, Naser. (2024). The Methods of Trust-Building by Prophets (Peace Be Upon Them) in the Moral Education of Trainees from the Perspective of the Quran, Journal in Applied Ethics Studies, 3(77), 9-40

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69450.1930>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/04/03 • **Revised:** 2024/09/07 • **Accepted:** 2024/09/08 • **Published online:** 2025/05/28

educators, parents, and those responsible for education. This study aims to examine the methods of trust-building by prophets (peace be upon them) in the field of moral education from the perspective of the Quran. The research is exploratory in nature, qualitative in method, and has an inductive approach. To analyze the data, the thematic analysis technique was used. The results indicate that the prophets employed cognitive methods such as: living with the trainee, the ethical life of the educator related to the cognitive dimension, emotional methods such as creating a sense of affinity for the trainee and understanding them, purifying their invitation from any material suspicion, the ethical life of the educator related to the emotional dimension, and behavioral methods such as aligning words with actions, the ethical life of the educator related to the behavioral dimension, and reforming their relationship with God.

Keywords

trust-building, education, moral education, educational methods, divine prophets.



أساليب بناء الثقة من قبل الأنبياء ﷺ لدى التربية الأخلاقية للمتلقّي من وجهة نظر القرآن الكريم*

إلهه عبدعلي نژاد،^١ علي همت بناري،^٢ ناصر نورمحمد^٣

١- خريجة المستوى الرابع في فرع التفسير المقارن من مؤسسة ركن الهدى للتعليم العالي. كرمان، إيران (الكاتبة المسؤولة).

abdolalinejad@whc.ir

٢- الأستاذ المساعد في قسم العلوم التربوية بجامعة المصطفى العالمية. قم، إيران.

ah.banari@gmail.com

٣- دكتوراه من جامعة باقر العلوم ﷺ، قم، إيران.

nasernor33@gmail.com

الملخص

إن قبول المعلم وثقة المتلقي به من أهم العوامل التي تمهد الطريق للتربية الأخلاقية، والتي بدونها لن يكون أي جهد تربوي حليفاً للنجاح. وانطلاقاً لهذا المبدأ، وفي تنفيذ الهدف الأهم لرسالتهم، وهو التربية الأخلاقية، استعمل الأنبياء الإلهيون أساليب مختلفة لبناء ثقة مخاطبيهم بهم. إن معرفة هذه الأساليب واتخاذها منهج عمل أمر مهم للغاية للمعلمين وأولياء الأمور والقائمين على التعليم؛ لأنها تمت بالهداية الإلهية، وفعاليتها مضمونة. يهدف هذا البحث إلى التعرف على أساليب بناء الثقة من قبل الأنبياء ﷺ

* **استشهد بهذه المقالة:** عبدعلي نژاد، إلهه؛ بناري، علي همت و نورمحمد، ناصر (١٤٠٣). أساليب بناء الثقة من قبل الأنبياء ﷺ

لدى التربية الأخلاقية للمتلقّي من وجهة نظر القرآن الكريم. دراسات الأخلاق التطبيقية، ٣ (٧٧)، صص ٩-٤٠.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69450.1930>

□ نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/٠٤/٠٣ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٠٧ □ تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٩/٠٨ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨



في مجال التربية الأخلاقية من منظور القرآن الكريم. هذا البحث استكشافي من حيث الغرض، ونوعي من حيث الطريقة، وله منهج استقرائي. تم استخدام أسلوب التحليل الموضوعي لتحليل البيانات، وأظهرت النتائج أن الأنبياء من أجل بناء الثقة استخدموا أساليب معرفية مثل: التعايش مع المعلم، والحياة الأخلاقية للمعلم المرتبطة بالبعد المعرفي، وكذلك استعملوا أساليب عاطفية مثل: خلق مفهوم التسانخ لدى المتلقي، وتنقية دعوتهم من أي شيء مادي يشوبها. كما استخدموا العيش الأخلاقي للمعلم والذي هو مرتبط بالبعد العاطفي، والأساليب السلوكية مثل: المواءمة بين الكلام والسلوك، والعيش الأخلاقي للمعلم وهو المتعلق بالبعد السلوكي وتحسين العلاقة مع الله.

الكلمات المفتاحية

بناء الثقة، التربية، التربية الأخلاقية، الأساليب التربوية، الأنبياء الإلهيون.





روش‌های اعتمادسازی انبیاء (علیهم‌السلام) در تربیت اخلاقی متربی از منظر قرآن*

الهه عبدالعلی نژاد^۱، علی همت بناری^۲، ناصر نورمحمد^۳

۱- دانش آموخته سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی رکن الهدی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

e.abdolalinejad@whc.ir

۲- استادیار گروه علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران.

ah.banari@gmail.com

۳- دانش آموخته دکتری دانشگاه باقر العلوم (علیه‌السلام)، قم، ایران.

nasernor33@gmail.com

چکیده

مقبولیت مربی و اعتماد متربی به وی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تربیت اخلاقی است که بدون آن هیچ‌گونه تلاش تربیتی، سودمند نخواهد بود. پیامبران الهی با اشراف به این اصل، در اجرای مهم‌ترین هدف رسالت خویش، یعنی تربیت اخلاقی، از روش‌های مختلفی برای اعتمادسازی مخاطبان خود بهره برده‌اند. شناخت و الگوگیری از این روش‌ها از این حیث که با ارشاد الهی به انجام رسیده و اثرگذاری آن‌ها تضمین شده است، برای مریان، والدین و داعیه‌داران امر تربیت بسیار اهمیت

* **استناد به این مقاله:** عبدالعلی نژاد، الهه؛ بناری، علی همت و نورمحمد، ناصر (۱۴۰۳). روش‌های اعتمادسازی انبیاء (علیهم‌السلام) در تربیت اخلاقی متربی از منظر قرآن. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۴۰-۹۰.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69450.1930>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷





دارد. پژوهش پیش رو با هدف بررسی روش‌های اعتمادسازی انبیاء علیهم‌السلام در عرصه تربیت اخلاقی از منظر قرآن نگاشته شده است. این پژوهش از حیث هدف، اکتشافی و به لحاظ روش، کیفی و دارای رویکرد استقرایی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، شیوه تحلیل مضمون به کار گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد پیامبران در راستای اعتمادسازی از روش‌های شناختی نظیر زیست مشترک با متربی، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد شناختی، از روش‌های عاطفی همچون ایجاد پنداره سخیت برای متربی و درک ایشان، خالص کردن دعوت خویش از هرگونه شائبه مادی، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد عاطفی، و از روش‌های رفتاری نظیر تطابق بین گفتار و رفتار، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد رفتاری و اصلاح رابطه با خدا استفاده می‌کردند.

کلیدواژه‌ها

اعتمادسازی، تربیت، تربیت اخلاقی، روش‌های تربیتی، پیامبران الهی.

مقدمه

یکی از اهداف مهم دعوت انبیای الهی، براساس آموزه‌های قرآنی (بقره، ۱۲۹؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲)، تزکیه و تربیت اخلاقی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۸). تربیت اخلاقی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیتی در تکامل انسان می‌باشد که در شکل‌دهی ابعاد مختلف هویت انسانی، اعم از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای وی تأثیرگذار است. از بین عناصر چهارگانه نظام تربیت اخلاقی که شامل اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی است، اتخاذ روش‌های تربیتی صحیح و کارآمد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا امر تربیت با هدایت و گمراهی، و سعادت و شقاوت انسان در ارتباط است و هرگونه لغزش و اشتباه در انتخاب روش تربیتی، مبانی و اصول و اهداف تربیت را بی‌اثر کرده و چه بسا به گمراهی و نابودی انسان منتهی می‌شود. در راستای هدف اصلی انبیا که هدایت به صراط مستقیم است، تربیت اخلاقی به‌عنوان هدف فرعی و شرط تحقق هدف اصلی بسیار اهمیت دارد. اعتمادسازی انبیا برای تربیت اخلاقی موجب جلب مردم به هدف اصلی یعنی هدایت می‌شود.

قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام، دربرگیرنده حجم وسیعی از گزاره‌ها درباره روش‌های تربیتی انبیا علیهم‌السلام است. مطالعه این گزاره‌ها گویای این حقیقت است که اولین اقدام ایشان در زمینه‌سازی تربیت اخلاقی، اعتمادسازی بوده است. اعتماد، زیربنای هر رابطه پایدار است و قطعاً بدون جلب اعتماد متریان، تحقق هرگونه عمل تربیتی منتفی خواهد بود.

بازخوانی فرایند روشمند تربیت اخلاقی انبیا نشان می‌دهد اعتماد، دارای جایگاهی ویژه در این فرایند است؛ لذا مریان و متولیان امر تربیت باید با الگوگیری از سیره انبیای الهی، به‌عنوان الگوهای ممتاز تربیتی، در جلب اعتماد متریان خود اهتمام ورزند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم اعتماد به‌عنوان





یک سازه مفهومی پیچیده در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، ابعاد روانی و اجتماعی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و با توجه به ابتدای تربیت اخلاقی بر مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، دیدگاه‌های متعددی دربارهٔ اعتمادسازی مطرح شده است.^۱

ارزیابی دیدگاه‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در مقایسه با سنت انبیا، این نکته را نشان می‌دهد که نظریه‌های اندیشمندان در بیان جایگاه اعتماد در فرایند تربیت، توصیفی و گزارشی ثانوی و در ساحت نظر است؛ ولی آنچه در سنت انبیا مشاهده می‌شود، در ساحت عمل و ناظر به روش تربیت اخلاقی بوده است.

این پژوهش با هدف واکاوی روش‌های اعتمادسازی انبیا در تربیت اخلاقی، از منظر آیات قرآنی نگاشته شده و درصدد پاسخ‌دادن به این سؤال است: روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انبیا در راستای اعتمادسازی برای تربیت اخلاقی کدام است؟

برای دستیابی به اهداف مدنظر در این پژوهش، ابتدا با رویکرد استقرای ناقص، آیات مرتبط با موضوع، انتخاب و کدگذاری شدند. پس از تدقیق بیشتر، روش‌ها در قالب سه دسته شناختی، عاطفی و رفتاری مرتب شدند و در نهایت، دلالت‌های مستقیم و غیرمستقیم قرآنی و اشارات مرتبط با روش‌های اعتمادسازی انبیا، از تفاسیر قرآنی استخراج و در قالب روش‌های مذکور تبیین و تحلیل گردیدند.

گفتنی است اگرچه روش اعتمادسازی به‌نحو ضمنی در روند تربیت اخلاقی استخدام می‌شود، تاکنون به‌صورت نظری به آن توجه نشده است؛ به‌طوری که طبق جستجوهای انجام‌شده باید گفت هیچ پژوهشی با عنوان و رویکرد مدنظر در این مقاله صورت نگرفته است.

۱. رک: نظریهٔ اعتماد بنیادی (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۳۲۶؛ آنسلمو، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲-۱۶۳) و نظریهٔ سرمایه اجتماعی (کوهکن، ۱۳۸۸، صص ۱۲۷ و ۱۲۹؛ گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰).



۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی، فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفاسازی، ایجاد و تقویت صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و زدودن صفات، رفتارها و آداب غیراخلاقی در خود یا دیگری است (بناری، ۱۳۷۹). در تربیت اخلاقی، از شیوه‌های علم تربیت برای تحقق نتایج و اهداف پذیرفته‌شده در حوزه اخلاق بهره می‌برند؛ ازاین‌رو، در تعریف تربیت اخلاقی گفته‌اند که تربیت اخلاقی به معنی کاربست ویژه یافته‌های تعلیم و تربیت برای تحقق اهدافی است که از حوزه علم اخلاق دریافت و پذیرفته شده‌اند (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ص ۹۵).

۲.۱. روش تربیت اخلاقی

روش در اصطلاح یعنی پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی؛ براین‌اساس، روش در علوم نظری به راه یا قاعده‌ای اطلاق می‌شود که برای کشف حقیقت به کار می‌رود و در علوم عملی مانند اخلاق، به راهی که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می‌شود، روش گفته می‌شود. به عبارتی روش‌ها راه وصول به اهداف‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، صص ۴۴۵ و ۴۴۸).

در این پژوهش منظور از روش، تربیت اخلاقی پیامبران در قرآن و چگونگی تحقق تدابیر و فعالیت‌های اثرگذار تربیت اخلاقی در موقعیت‌ها و شرایط مختلف است که قرآن کریم در مقام هدایت و تربیت انسان‌ها، پیامبران الهی را به‌عنوان مرییان بشر به استفاده از آن‌ها دعوت کرده یا از چگونگی رفتار تربیتی پیامبران با مخاطبان‌شان گزارش داده است.

۳.۱. اعتماد

اعتماد مصدر باب افتعال، از ریشه «عمد» به معنی تکیه کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۰۵) و در زبان فارسی به معنی تکیه کردن، متکی شدن به کسی و واگذاشتن کار به کسی است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۲۰۱).



اعتماد از مفاهیمی است که صاحب نظران علوم مختلف به آن توجه داشته‌اند. زتومکا^۱، اعتماد را نوعی نگرش و جهت گیری اخلاقی مثبت در قبال دیگری معرفی می‌کند که آن دیگری مورد تأیید است (ساعی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). از دیدگاه مک‌لاود^۲ (۱۳۹۵، ص ۱۵) نیز اعتماد نگرشی است که ما درباره افراد داریم که امیدواریم قابل اعتماد باشند. با توجه به این تعاریف، منظور از اعتماد در این نوشتار، نوعی ارزش انسانی و احساس مثبت درونی (مبتنی بر شناخت و باور) درباره فرد یا افراد است و باعث اطمینان و پذیرش ایشان می‌شود.

۲. اقسام روش‌های اعتمادسازی انبیاء (علیهم‌السلام) در قرآن

تربیت اخلاقی، فرایندی پیچیده است و با توجه به تفاوت افراد در نحوه اثرپذیری تربیتی، باید از روش‌های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری استفاده شود. بین ابعاد مطرح شده رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ بدین صورت که بینش‌ها و گرایش‌ها دو عنصر اساسی رفتار انسان هستند. لازمه انجام هر رفتاری این است که انسان آن را بشناسد و سپس برای بروز و ظهور آن، میل و رغبت داشته باشد. پیاز^۳ معتقد است عاطفه جنبه انرژی‌دهندگی دارد و محرک شناخت و نهایتاً رفتار است. در مقابل، آگاهی و شناخت هم تأثیر بسزایی در تکوین عاطفه دارند؛ زیرا علاقه جز پس از معرفت، قابل تصور نیست. لذا حالتی دوسویه و تعاملی بین شناخت و عاطفه وجود دارد (جلالی، ۱۳۸۰).

با توجه به مطلب بالا، استفاده توأمان و ترکیبی از روش‌های یادشده می‌تواند در اعتمادسازی مؤثر باشد. واکاوی شیوه‌های تربیت اخلاقی پیامبران نشان می‌دهد ایشان به فراخور شرایط و روحیات افراد مختلف، از شیوه‌های متناسب و متنوع برای جلب

1. Sztompka
2. MacLeod
3. Piaget



اعتماد پیروان خود استفاده می‌کردند که تمام این شیوه‌ها در ذیل سه روش شناختی، عاطفی و رفتاری می‌گنجد. در ادامه به اهمّ این روش‌ها اشاره می‌شود.

۱.۲. روش‌های شناختی

روش‌های شناختی بر فرایندهای شناختی مانند ادراک، یادگیری، تفکر و حل مسئله تمرکز دارند؛ از آنجا که شناخت، اساس رفتار است و با تغییر شناخت می‌توان رفتار را تغییر داد، بهبود عملکرد شناختی افراد از مجرای روش‌های شناختی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. بعضی از روش‌های شناختی که انبیای الهی علیهم السلام برای اعتمادسازی به کار می‌بردند، عبارت‌اند از:

۱.۱.۲. زیست مشترک مربی با متربیان و مردم

شناخت هرچه بیشتر مربی و شفافیت زندگی و اهداف او، نقش مهمی در ایجاد اعتماد مربی به وی ایفا می‌کند. برای آنکه مربی به مربی اعتماد و از او تبعیت کند، باید بداند مربی چه کسی است، چه باورها و ارزش‌هایی دارد، چه اهدافی را دنبال می‌کند و چگونه می‌خواهد به او کمک کند. حد اعلای شناخت برای مربی، زمانی حاصل می‌شود که مربی رابطه تنگاتنگی با متربیان داشته باشد و با آن‌ها و در کنار آن‌ها زندگی کند. واضح است که مربی باید با مردم حشرونشر داشته باشد تا مردم او را از نزدیک ببینند و پس از شناخت مربی خود، در امر تربیت اخلاقی به او اعتماد کنند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۲۹).

زندگی پیامبران الهی، گواه این حقیقت است که آن‌ها با مردم خود «زیست مشترک» داشتند؛ یعنی نوعی هم‌زیستی اخلاقی بلندمدت با مردم داشتند. قرآن کریم در آیات متعددی (برای مثال: توبه، ۱۲۸؛ بقره، ۱۲۹؛ آل عمران، ۱۶۴) به این موضوع اشاره می‌کند؛ از جمله در آیه ۳۲ سوره مؤمنون می‌فرماید: ﴿فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾. هم‌نشینی واژه «رسول» با «منهم» و «فیهم» بیانگر این حقیقت است که



رسولی، مرتبی و هادی مردم می‌باشد که در بین آنها و با آنها زندگی کرده است. در تفسیر آیه ۱۵۱ سوره بقره ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ...﴾ به نکته دقیقی در رابطه با این موضوع اشاره شده است:

واژگان «فیکم» و «منکم» در آیه مذکور، دو عنصر محوری به‌مثابه دو رکن رکن پذیرش رهبری هستند؛ زیرا اگر پیامبری در بین مردم باشد و همه نیازهای آنها را بداند و آداب و رسوم آنان را ارزیابی کند، ولی از نژاد و قبیله آنها نباشد و بالعکس، از قبیله آنان باشد، ولی در بین آنها نباشد، مشروعیت او، مقبولیت جامعه را به همراه ندارد؛ ولی اگر واجد هر دو اصل بود؛ یعنی هم در بین مردم بود و هم از نژاد آنان بود، مقبولیت او همانند مشروعیت وی به نصاب خاص خود می‌رسد و برای اهمیت مردمی‌بودن و در متن جامعه به‌سربردن، کلمه «فیکم» را قبل از کلمه «رسولاً» بیان فرمود تا شادابی و سرور جامعه برای پذیرش رسالت فراهم شود (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۷، ص ۴۹۸).

نکته شایان توجه این است که تمامی انبیاء علیهم‌السلام نه تنها در حین نبوت که حتی از قبل نبوت، در بین قوم خود زندگی می‌کردند و ارتباط تنگاتنگی با آنها داشتند؛ به‌نحوی که هیچ بُعدی از ابعاد زندگی ایشان از مردم مخفی نبود. قرآن کریم به این حقیقت درباره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تصریح کرده است: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ (بقره، ۱۴۶). این آیه، شناخت دقیق و یقینی اهل کتاب از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را به شناخت پدر از پسر تشبیه می‌کند که روشن‌ترین شناخت‌هاست؛ زیرا پدر و مادر، فرزند خود را (از ابتدای تولد) بدون استثنا می‌شناسند، اما ممکن است فرزند، پدر خود را نشناسد؛ چراکه شاید بعد از مرگ پدر متولد شده باشد یا در خردسالی پدرش فوت کرده باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۰۲).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به این نکته اذعان کرده و می‌فرمود: «من قبل از آوردن قرآن، عمری بین شما بودم و درعین حال، هیچ خلافتی از من سراغ ندارید»؛ ﴿فَقَدْ لَبِثْتُ

فِيكُمْ عُمْراً مِنْ قَبْلِهِ» (یونس، ۱۶). ایشان همواره در میان مردم بود تا جایی که کفار می‌گفتند: «این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟» (فرقان، ۷). خداوند در آیه ۲۰ سوره فرقان پاسخ می‌دهد که همه پیامبران پیشین چنین بودند؛ غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۳۰). پیامبر ﷺ تا حدی در دسترس مردم بود که طبق اولین آیه سوره مجادله ﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا﴾، حتی یک زن عادی می‌توانست به شخص پیامبر مراجعه و مشکلاتی را که با همسرش داشت به‌راحتی مطرح کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۹۹).

۲.۱.۲. زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد شناختی انسان

مشی اخلاقی مربی و اتصاف وی به فضایل انسانی، لازمه امر تربیت است؛ فضایی نظیر خیرخواهی، دلسوزی، امانت‌داری، رازداری، عدالت‌ورزی و صداقت. قطعاً بدون این ویژگی‌ها هیچ‌گونه اعتمادی برای متری شکل نمی‌گیرد و امر تربیت منتفی می‌شود. همه انبیای الهی هم به این ویژگی‌های اخلاقی متصف بودند و هم خودشان را با این اوصاف معرفی می‌کردند. این امر، زمینه‌ساز شناخت و سپس اعتماد به ایشان می‌گردید. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) نصح: در فرهنگ قرآنی، «نصح» به معنی دلسوز، خیرخواه و اندرزگو می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۳۹) و شأن فرد ناصح، تلاش با هر وسیله‌ای برای ارشاد و هدایت است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۷۵). حضرت نوح علی‌ه السلام در ابتدای دعوتش، خود را با عبارت «أَنْصَحْ لَكُمْ» معرفی می‌کند: ﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾ (اعراف، ۶۲)؛ یعنی در این راه از هیچ‌گونه خیرخواهی فروگذاری نمی‌کند. حضرت هود علی‌ه السلام خود را ناصح معرفی می‌کند (اعراف، ۶۸) و برای رد اتهام و جلب اعتماد قوم خود می‌گوید: «من علاوه بر اینکه تبلیغ رسالت کردم،



دلسوز شما هم هستم و شما را پند و اندرز می‌دهم که نصایح مرا بپذیرید، والا وظیفه من تنها تبلیغ است» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۵۹).

ب) امانت‌داری: امین به کسی گفته می‌شود که وصف امانت در او ثبوت و استقرار پیدا کرده و صلاحیت اعتماد و اطمینان دیگران را داشته باشد؛ به همین دلیل، اهالی مکه قبل از رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت، «محمد امین» می‌گفتند (جوادی آملی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۲۹۸). در قرآن کریم، غیر از پیامبر اسلام، تعدادی از انبیای الهی به صفت «امین» متصف شده‌اند؛ از جمله: حضرت نوح (شعرا، ۱۰۷)، حضرت هود (شعرا، ۱۲۵)، حضرت صالح (شعرا، ۱۴۳)، حضرت لوط (شعرا، ۱۶۲)، حضرت شعیب (شعرا، ۱۷۸)؛ حضرت موسی (دخان، ۱۸) و حضرت یوسف (یوسف، ۵۴). تکرار این صفت در قرآن، نشانه واضحی از اهمیت این فضیلت اخلاقی است که در کنار امر رسالت قرار گرفته و بدون آن هرگز اعتماد امت‌ها به رسولان جلب نمی‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۷۴).

نکته قابل توجه این است که واژه «امین» در کاربردهای متعدد قرآنی، بیشترین هم‌نشینی را با واژگان رسول و ناصح دارد؛ از این هم‌نشینی پرتکرار می‌توان این اصل را دریافت که دلسوزی و امانت‌داری، دو شرط اساسی تبلیغ و تربیت هستند که در اعتمادسازی نقش بسزایی دارند. طبق این اصل کلی، هر نوع هدایت و تربیتی در جامعه اگر با خیرخواهی و امانت‌داری توأم شود، ثمربخش خواهد بود.

امانت‌داری مهم‌ترین عامل برای جلب اعتماد دیگران و سپردن کارها و مسئولیت‌ها به افراد است؛ بر همین اساس، دختران شعیب علیها السلام، یکی از علل گزینش حضرت موسی علیه السلام را (برای عهده‌داری کارهایشان) امانت‌داری او برشمردند: ﴿يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص، ۲۶). حضرت یوسف علیه السلام نیز هنگام پذیرش مسئولیت خزانه‌داری مصر، امانت‌داری خویش را مطرح کرد و خود را شایسته پذیرش این مسئولیت دانست (یوسف، ۵۵). مأمور آوردن تخت بلقیس نیز امانت‌داری خود را دلیل شایستگی خود برای انجام این



مسئولیت برشمرد: ﴿إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾ (نمل، ۳۹). از این آیه فهمیده می‌شود امانت‌داری از ملاک‌های سپردن مسئولیت‌ها نزد سلیمان عليه السلام بود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۵۳).

ج) رازداری: از جمله لوازم امانت‌داری، رازداری است که پیامبران الهی متخلق به این فضیلت بودند؛ برای نمونه، حضرت یوسف عليه السلام هنگام دستگیری برادرش به اتهام دزدی، وقتی سایر برادرها گفتند: «وی برادری داشت که او نیز دزد بود و این برادر همانند اوست» (یوسف، ۷۷)، درباره نارو بودن این اتهام چیزی نگفت و راز نهانی برادرانش را فاش نکرد تا رسوا نشوند.

د) عدالت‌ورزی: عدالت‌ورزی از ویژگی‌های اخلاقی است که ارتباط مستقیمی با اعتمادسازی دارد. تمامی پیامبران الهی در زندگی خود، الگوی کامل عدالت بودند. در آیه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید، ۲۵)، هدف از اعزام سفیران الهی، اجرای قسط و عدل معرفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۷۱). خداوند متعال، رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله را مأمور اجرای عدالت کرد و فرمود: این امر مهم را به همگان اعلام کن؛ ﴿وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ﴾ (شوری، ۱۵). بر اساس این آیه، پیامبر اکرم خود را موظف می‌داند همه مردم را به یک چشم ببیند، قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را بر صغیر مقدم ندارد، سفید را بر سیاه و عرب را بر غیرعرب برتری ندهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۴).

ه) صدق: صداقت از فضایل بسیار مهم اخلاقی است که اعتماد در روابط را به ارمغان می‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم با صیغه مبالغه «صدیق» و عبارت «صادق الوعد» بر صدق پیامبرانش تأکید کرده است؛ برای نمونه، در آیه ۴۱ سوره مریم می‌فرماید: «ای پیامبر، در کتاب خود شرح حال ابراهیم عليه السلام را یاد کن؛ زیرا او پیامبری بسیار راست‌گو بود». در قرآن به صداقت بسیاری از پیامبران، از جمله حضرت ادریس (مریم، ۵۶) و حضرت یحیی (آل عمران، ۳۹) تصریح شده است.



خداوند همچنین در آیه «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، ۳-۴) بر صداقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دریافت وحی تأکید کرده است.

صدق و راستی را می‌توان از یک لحاظ به سه گونه تقسیم کرد: صدق مع الله، صدق مع النفس و صدق مع الناس. پیامبران الهی دارای حد اعلای مقام صدق در هر سه گونه بودند. صدق مع الله آن است که انسان خلوص نیت پیشه کند؛ زیرا خداوند، عمل «واصب» و «خالص» را می‌پذیرد. «واصب» درباره «کم» (مقدار) است و «خالص» در مورد «کیف» (چگونگی)؛ یعنی تمام اجزای عمل باید حق و عبادی باشد (جوادی آملی، ۱۴۰۱ق، ص ۳۳۵). صدق مع النفس یعنی انسان با خودش راست گو باشد و عیوب خود را ببیند و برای برطرف کردن آن عیوب بکوشد. صدق مع الناس نیز به این معناست که انسان در همه حال راست گویی پیشه کند (حتی اگر به ضرر او باشد) تا جایی که به مقام صدیقان برسد. صدیق، کسی است که صداقت در گوهر ذات او رسوخ کرده و ملکه شده است. مؤمنان واقعی و در رأس ایشان، رسولان الهی، صادق و صدیق هستند؛ ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشَّٰهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۹، ص ۴۴۱).

و وفای به عهد: یکی از نمودهای صداقت در گفتار و رفتار، وفای به عهد است که پیامبران الهی علیهم السلام در این عرصه نیز شهره بودند؛ برای نمونه، در قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام، الگوی وفاداری معرفی شده است: ﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ (نجم، ۳۷). همچنین درباره حضرت اسماعیل علیه السلام بیان شده که او در وعده‌هایش صادق بود: ﴿وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ (مریم، ۵۴).

۲.۲. روش‌های عاطفی

روش‌های عاطفی، روش‌هایی هستند که بر انگیزه‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌های فرد تمرکز می‌کنند؛ چراکه رفتار انسان تحت تأثیر عوامل درونی، مانند خواسته‌ها و



عواطفش، قرار دارد. پیامبران علیهم السلام برای اعتمادسازی در تربیت اخلاقی از شیوه‌های عاطفی زیر بهره می‌گرفتند:

۲.۲.۱. ایجاد پندارهٔ سنخیت برای متری و درک او

یکی از مهم‌ترین عوامل اعتمادسازی در تربیت اثرگذار این است که متری احساس کند متری اش انسانی است مثل او، او را می‌فهمد و نیازها و مشکلاتش را درک می‌کند. انبیا علیهم السلام برای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی مردم، پیوسته بر بشر بودن خویش و سنخیت با مردم و درک نیازهای آنان تأکید داشتند. اصلاً شرط نبوت و انجام هرگونه عمل هدایتی و تربیتی پیامبران الهی، انسان بودن ایشان است؛ این ویژگی موجب می‌شود مردم با پیامبران احساس قربت و به آنان اعتماد کنند و ایشان را در عمل، الگوی خویش قرار دهند. روشن است موجودی که از سنخ بشر نباشد و هیچ‌گونه آشنایی با عواطف، غرایز، خواسته‌ها و سایر امور انسانی نداشته باشد، نمی‌تواند انسان‌ها را امرونی کند و الگوی آنان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

نکته قابل توجهی که از آیات قرآن استنتاج می‌شود این است که معصومین علیهم السلام «انسان‌های مافوق» بودند نه «مافوق انسان‌ها»؛ برای این اساس، خداوند متعال پیامبران را انسان‌هایی از جنس بشر معرفی می‌کند که برای هدایت مردم فرستاده شدند ﴿إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾ تا افزون بر نمایاندن حقیقت‌های علمی، الگوی عملی آنان باشند تا مردم آنان را ببینند و سخنانشان را بشنوند و به رفتار و اخلاقشان تأسی کنند (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۳۶، ص ۶۳).

قرآن کریم، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را چنین وصف می‌کند: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه، ۱۲۸)؛ یعنی پیغمبری از جنس خود شما برای شما آمده است که بدبختی‌ها و مشقت‌های شما بر او گران و ناگوار است، کوشاست که شما را از این مشقت‌ها نجات دهد. در این آیه



نفرمود: «پیامبر از شماست»، بلکه فرمود: «پیامبر از خودتان است»؛ گویی پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده و از این رو، با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۵۲).

در حقیقت، قرآن کریم در صدد ترویج دیدگاه وصل‌انگارانه و موفق در الگوگیری از پیامبران الهی است و بر رویکرد آسمانی‌زمینی اولیای الهی تأکید دارد؛ یعنی ایشان هم بشر هستند و هم متصل به وحی الهی‌اند. طبق این دیدگاه، پیامبران و امامان دو جنبه دارند: یکی، جنبه بشری و دیگری، جنبه فرابشری. در بُعد بشری، آنان اسوه همگان‌اند و رفتار آنان قابل الگوگیری است. بر این اساس، خداوند متعال به پیامبر دستور می‌دهد که بگوید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...﴾ (فصلت، ۶)؛ فقط وظیفه من آن است که به شما بگویم من هم مانند شما انسانی هستم که از جانب خدا به من وحی می‌رسد. من جنّ و ملک نیستم که با شما سنخیت نداشته باشم و شما را دعوت نمی‌کنم به امری که عقول سلیمه و اسماع سالمه از تقبّل و تلقّی آن انزجار داشته باشند، بلکه دعوت می‌کنم شما را به توحید و استقامت در دین (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۵۴۶). کلمه «انما» در این آیه، رسول خدا ﷺ را منحصر در بشریت و همانندی با سایر بشرها می‌سازد؛ به‌طوری که هیچ زیادتى برای خود ادعا نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۵۶).

۲-۲-۲. خالص کردن دعوت خویش از هرگونه شائبه مادی

داشتن انگیزه‌های الهی، دلیل بر صدق مدعی نبوت است و به دنبال آن اعتمادسازی برای مخاطب محقق می‌شود، در حالی که انگیزه‌های مادی با هدف سودجویی به سلب اعتماد مخاطبان منجر می‌شود. مریانی که در صدد تربیت اخلاقی هستند باید این رفتار پیامبران را سرلوحه خویش قرار دهند و از این رهگذر، اسباب اعتماد متربی خود را فراهم کنند.



انبیاء علیهم السلام در برابر تبلیغ و خدمتشان هیچ توقعی نداشتند؛ ایشان نه مزد مادی می‌خواستند نه جاه‌طلب بودند. از لحاظ عقلی، اگر رهبر مردم، دارای دو اصل باشد، هرگز ترک دستوره‌ای وی قابل توجیه نیست؛ اصل اول، دعوت حیات‌بخش و رهنمود سودمند است و اصل دوم، نزاهت رهبر از اغراض دنیوی، مزدخواهی، جاه‌طلبی و نظایر آن؛ زیرا کسی که تنها اجر او بر عهده خداست، از گزند غرض مادی و جاه‌طلبی مصون است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۴). همه انبیای الهی از مکتب ارزشمندی برخوردارند و رهنمودهای ایشان، کاسب‌کارانه نیست. بی‌طمع‌بودن و رایگان‌بودن تعلیم و تربیت، شعار رسمی همه آنهاست (جوادی آملی، ۱۴۳۲ق، ج ۳۷، ص ۱۸۵). برخی از انبیا به صراحت و برخی به اشاره فرموده‌اند که ما رایگان خدمت می‌کنیم. قرآن کریم، عبارت «**مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ**» را از قول حضرت نوح (شعراء، ۱۰۹)، حضرت هود (شعراء، ۱۲۷)، حضرت صالح (شعراء، ۱۴۵)، حضرت لوط (شعراء، ۱۶۴)، حضرت شعیب (شعراء، ۱۸۰) و پیامبر اکرم (فرقان، ۵۷) نقل می‌کند. تنها در سوره شعراء، این جمله پنج بار تکرار شده است (در آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰).

چه بسا مهم‌ترین دلیل تأکید پیامبران بر نخواستن اجر و مزد این باشد که مردم حساب ایشان را از کسانی که با قیافه خیرخواهی وارد می‌شوند، ولی هدفشان رسیدن به پول و مال دنیا است، جدا کنند و بدانند که پیامبران کار خود را فقط برای خدا انجام می‌دهند و به ایشان اعتماد کنند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۴۹)؛ برای نمونه، حضرت هود علیه السلام در دعوت قوم خود چنین می‌گوید: «**يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ**» (هود، ۵۱). چنان‌که ملاحظه می‌شود، این پیامبر بزرگ خدا در گفتار خود بر دو اصل تأکید نموده است: اول، مطابقت سخنانش با حق و دوم، رایگان‌بودن دعوتش (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۸۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مأمور بود به همین خصلت نیکو اقتدا کند و به مردم بگوید در ازای عمل به وظایف رسالت، هیچ پاداشی از آن‌ها انتظار ندارد (فرقان، ۵۷). ایشان



اضافه می‌کند: ﴿إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛ یعنی تنها اجر و پاداش من هدایت شماسست و این تعبیر جالبی است که نهایت لطف و محبت پیامبر را نسبت به پیروانش روشن می‌سازد؛ چراکه اجر و مزد خود را سعادت و خوشبختی آنان می‌شمرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۳۳).

۳.۲.۲. زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد عاطفی انسان

استفاده از ابزار محبت و اخلاق نیک، یکی از کارآمدترین روش‌های عاطفی در تربیت اخلاقی است که محبوبیت و مقبولیت مربی را به ارمغان می‌آورد. این روش بیشترین تناسب را با فطرت انسانی دارد؛ لذا اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود، تأثیری شگفت در تربیت آدمی می‌گذارد. طبق فرموده پیامبر خدا ﷺ، حُسنِ خُلُق، رشته دوستی را استوار می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵).

از دیدگاه روان‌شناسی نیز اعتماد در وابستگی عاطفی ریشه دارد. هرگاه عواطف رشد یافته و بتواند در میان افراد انتقال یابد، اعتماد ایجاد و تقویت می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۹-۲۵۱). انبیای الهی برای تربیت اخلاقی، بیشترین بهره را از روش‌های تحول‌آفرین عاطفی می‌بردند و زیست اخلاقی ایشان نمودار عطفوت، گشاده‌رویی، تواضع و احترام بود. قطعاً اگر این خلق و خوی برجسته نبود، اگر نرمی و محبت نبود، پیامبران در تزکیه و تعلیم مردم دچار شکست می‌شدند (بهشتی، بی‌تا، ص ۱۴۵). در قرآن کریم، پیامبر اسلام به عنوان نماد اخلاق معرفی شده است: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم، ۴). به شهادت قرآن، اگر پیامبر نرم‌خو و خوش‌اخلاق نبود، مردم از اطراف ایشان پراکنده می‌شدند (آل عمران، ۱۵۹).

رسول اکرم (ص) که اسوه اخلاق و رفتار نیکوست، خود را ادب کرده پروردگار دانسته و می‌فرماید: ﴿أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي﴾ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵). قرآن کریم نیز حضرت را پیامبر رحمت نامیده (انبیاء، ۱۰۷) و ایشان را در مواجهه با مؤمنان، رئوف و مهربان وصف کرده است (توبه، ۱۲۸).



خداوند متعال پیامبرش را به تواضع و رفتار فروتنانه با مؤمنان موظف کرده و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾ (انعام، ۵۴). نقل است رسول خدا (ص) با هر کس، اعم از کوچک و بزرگ، روبه‌رو می‌شد، سلام می‌داد و می‌فرمود: «نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسولش کسی است که در سلام کردن پیش‌دستی کند» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۵۰۹). در آیه ﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء، ۲۱۵)، به پیامبر گران‌قدر اسلام امر شد: «برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فروگستر». این تعبیر زیبا کنایه از تواضع توأم با ملاطف است. همان‌گونه که پرندگان هنگامی که می‌خواهند به جوجه‌های خود اظهار محبت کنند، بال‌های خود را گسترده و آنان را زیر بال‌وپر می‌گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون مانند و هم از تشنه و پراکندگی حفظ شوند، پیامبر نیز مأمور است مؤمنان راستین را زیر بال‌وپر خود بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۳۶۷).

در قرآن کریم با عبارت ﴿وَخَنَانًا مِنَ لَدُنَّا...﴾ (مریم، ۱۳) تبلور لطف و شفقت الهی در وجود حضرت یحییٰ (ع) به تصویر کشیده شده است. «خَنَان» به معنی رحمت و شفقت و محبت و ابراز علاقه است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۶۳). یکی از مصادیق ارتباط عاطفی بین مربی و متربی آن است که از حال هم‌باخبر باشند. شخصی مثل حضرت سلیمان که هم مشغله نبوت داشت و هم حکومتی بی‌نظیر را اداره می‌کرد، حتی از یک پرندۀ کوچک، آن هم در میان هزاران موجود دیگر غافل نمی‌شد. در قرآن می‌خوانیم روزی حضرت سلیمان (ع) فرمود: ﴿مَا لِي لَا أَرَى الْهَدُودَ﴾؛ مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؟ (نمل، ۲۰). اگرچه رسالت و سلطنت از مسائل مهم و کلی است؛ اما باعث نمی‌شود که حضرت سلیمان از اطرافیان خود غافل شود (قرائتی، ۱۳۹۷، ص ۵۹-۶۰).

تعبیر «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۶)، نهایت دلسوزی و عطوفت پیامبر به مردم را می‌رساند. گویا پیامبر به شخصی

تشبیه شده که می‌بیند عزیزترین افرادش از او جدا می‌شوند و او با حسرت از پشت سرشان به آنان نگاه می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۴۱). قرآن کریم، پیغمبر را این طور توصیف می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸). واژه «حریص» در اصل به معنی شدت علاقه به چیزی است و در این آیه می‌خوانیم: «پیامبر بر شما حریص است»؛ یعنی به هر گونه خیر، سعادت و پیشرفت شما عشق می‌ورزد. واژه «رئوف» به محبت و لطف مخصوص حضرت در مورد فرمان‌برداران اشاره دارد و واژه «رحیم» به رحمت ایشان در مورد گناهکاران اشاره می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۵۳).

۳.۲. روش‌های رفتاری

روش‌های رفتاری از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت اخلاقی هستند که بر مهارت‌های عملی و رفتارهای عینی تمرکز دارند. رفتار فرد بهترین نمود لایه‌های درونی هویت و شخصیت اوست؛ چرا که انسان بر طبق باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده‌اش رفتار می‌کند. پیامبران الهی، به عنوان کامل‌ترین الگوهای عملی، به بهترین وجه از این روش‌ها برای اعتمادسازی متربیان خود استفاده کرده‌اند. در ادامه به سه مورد از این شیوه‌ها اشاره می‌شود:

۳.۲.۱. مطابقت گفتار و رفتار

یکی از ویژگی‌های مهم هر مربی که وثاقت وی را نشان می‌دهد، تطابق گفتار و رفتار و عامل بودن او به گفته‌هایش می‌باشد؛ به نحوی که قبل از آمر بودن، عامل باشد و قبل از اصلاح دیگران، خود صالح باشد. اگر مربی بین گفتار و رفتار مربی تناقض و تعارض مشاهده کند، همین امر باعث می‌شود نسبت به همه گفته‌ها و نظام فکری عملی مربی بی‌اعتماد گردد و در نتیجه، در نظام فکری عملی خود نیز دچار اختلال و سردرگمی شود (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۰۴).



یکی از آموزه‌های اساسی از نظر فردی و اجتماعی، راست‌گویی و راست‌کرداری است که باید بر اعتقادات، اخلاق و رفتار انسان حاکم باشد. از نظر اعتقادی، آدمی باید آنچه را با زبان می‌گوید، در دل به آن باور و اعتقاد داشته باشد و در اخلاق و رفتار نیز انسان باید راستی را شیوه زندگی‌اش قرار دهد تا از این طریق زمینه اعتماد اجتماعی را فراهم کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۵۲۵). در واقع، مربی‌ای که به آموزه‌های خودش عمل نمی‌کند، با زبان رفتار خود، این پیام را می‌دهد که من به حقانیت و درستی آموزه‌های خودم اعتقاد ندارم و این طبیعی است که مربی به گفته‌های چنین معلمی اعتماد نمی‌کند (داوودی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۸). پیامبران الهی، به‌عنوان مربیان نمونه طی تاریخ بشریت، اگر به توحید و عدالت، صبر و صداقت، اخلاص و دیگر صفات نیک دعوت می‌کردند، خودشان در این صفات و خصال، برتر و پیشرو بودند و بیش و پیش از همه در اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل سبقت می‌جستند.

یکی از نشانه‌های حقانیت مصلحان الهی این است که چیزی از پیش خود نمی‌گویند. فعلشان مخالف قولشان، و نظرشان منافی با عملشان نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۵۱). هدایت ایشان، هدایت قیادت است نه هدایت سیاق؛ از این رو، می‌فرمایند ما قاندم نه سائق؛ یعنی چنین نیست که بایستیم و به شما دستور رفتن بدهیم یا به دنبال شما حرکت کنیم، بلکه می‌رویم و به شما می‌گوییم به دنبال ما بیایید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۱۳۰). در داستان حضرت شعیب علیه‌السلام آمده است وقتی مردم از ایشان دعوت به ترک بت‌پرستی و کم‌فروشی را شنیدند، دعوتش را رد کردند. حضرت شعیب علیه‌السلام در جواب قوم خود می‌گوید: «گمان مبرید که من می‌خواهم شما را از چیزی نهی کنم، ولی خودم به سراغ آن بروم» (هود، ۸۸)؛ به شما بگویم کم‌فروشی نکنید، اما خودم با انجام این اعمال، ثروتی بیندوزم و یا شما را از پرستش بت‌ها منع کنم، اما خود در برابر آن‌ها سر تعظیم فرود آورم؛ نه هرگز چنین نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۰۹).



۲.۳.۲. زیست اخلاقی مرتبی مرتبط با بُعد رفتاری

بین میزان اعتبار مرتبی با اعتماد مرتبی به وی، رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به این معنی که هرچه گفتار و رفتار مرتبی از اعتبار بیشتری برخوردار باشد، وی از مقبولیت و اعتماد بیشتری نزد مرتبی برخوردار می‌شود. مرتبی معتبر کسی است که به محتوای تربیتی که به مرتبی ارائه می‌دهد، ایمان دارد، حرف حق را با شجاعت و قاطعیت می‌زند، پای حرف خود می‌ایستد و تغییر شرایط موجب تزلزل و تغییر عقیده او نمی‌شود که اگر چنین نباشد، مرتبی هرگز به او اعتماد نمی‌کند. از جمله ویژگی‌های رهبران راستین الهی که باعث جلب اعتماد مخاطبان‌شان می‌شود، زیست اخلاقی و نمود صراحت، شجاعت و قاطعیت در گفتار و رفتار است. در ادامه به اختصار به این موارد پرداخته می‌شود:

الف) صراحت: پیامبران با صراحت تمام، برنامه و اهداف خود را بیان می‌کنند؛ برخلاف رهبران دروغین که اهداف و برنامه‌های خود را با ابهام بازگو می‌نمایند تا بتوانند انحراف‌های خود را پوشانیده و توجیه کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۸۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس آیه **﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾** (یوسف، ۱۰۸) مأموریت پیدا کرد آیین و روش خود را دقیقاً مشخص کند و بگوید این دعوت به توحید و آمادگی برای معاد، راه و طریقه من است و آن طریقه‌ای است که مردم را به سوی خدا از روی بصیرت و بینایی و یقین، نه از روی حدس و گمان و تقلید، دعوت می‌کنم (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۸۲). از کلمه «قل» در آیه بالا استفاده می‌شود که حضرت موظف بوده مواضع عقیدتی برنامه رسالت خویش را دقیق و صریح اعلام نماید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۴۵۸).

ب) شجاعت: یکی از ویژگی‌های پیامبران الهی، شجاعت بی‌نظیر ایشان در برائت از کفر و شرک و ترویج یکتاپرستی در هر شرایطی است. ایشان بدون هیچ گونه واهمه‌ای از تهدیدها و خطرات، با طمأنینه به بیان عقاید راسخ خود می‌پرداختند.



خداوند متعال از حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان سرمشق شجاعان یاد می‌کند؛ زیرا با صدای بلند و با شهامتی بی نظیر از بت‌ها اعلام برائت می‌کرد و می‌گفت: «به خدا سوگند، بت‌های شما را با نهایت تدبیر در هم می‌شکنم» (انبیاء، ۵۷).

درباره حضرت نوح علیه السلام در قرآن آمده است که ایشان در نهایت شجاعت، با وجود قَلت افراد، در مقابل دشمنان نیرومند و متعصب ایستادگی کرد و قدرت آن‌ها را به سخره گرفت (یونس، ۳۷). جالب اینکه ایشان نه تنها به قدرت مخالفان و شرارت‌های آن‌ها اعتنا نمی‌کرد، بلکه آن‌ها را به قیام بر ضدّ خود تحریک می‌کرد تا به آنان اثبات کند قلب و روح او به جای دیگری وابسته است که با توکل بر ذات پاک او کمترین واهمه‌ای از توطئه‌های دشمنان ندارد، هرچند قوی و سرسخت باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۹). حضرت هود علیه السلام نیز وقتی از سوی قومش به مرگ تهدید شد، با شجاعت، مشابه حضرت نوح علیه السلام سخن گفت: ﴿اِنِّیْ بَرِیٌّ مِّمَّا تُشْرِکُوْنَ... اِنِّیْ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبِّیْ وَ رَبِّکُمْ﴾ (هود، ۵۴-۵۶).

نکته قابل توجه این است که گفتن «نمی‌دانم» یا «نمی‌توانم» از نشانه‌های شجاعت انسان است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان حقایق صریح بودند و در مواردی که علم به موضوعی نداشتند، با شجاعت به آن اذعان کرده و می‌فرمودند: «قُلْ اِنْ اَدْرِیْ...» (جن، ۲۵).

ج) قاطعیت: از جمله امتیازات انبیای الهی این بود که عموماً به مرام و مکتب خویش ایمان قاطع داشته و هیچ گونه تزلزلی در اعتقاد خود نداشتند؛ قبل از همه خودشان مؤمن بودند و بیش از همه استقامت و پایداری داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۹۸).

تسلیم‌نشدن در برابر خواسته‌های دشمنان بهانه‌جو و پافشاری بر انجام دادن وظایف الهی، سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله بود (یونس، ۱۵). قرآن در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ﴿اٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ (بقره، ۲۸۵)؛ پیامبر، بدان چه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است؛ لذا وقتی



مشرکان مکه به آن حضرت پیام دادند که اگر همسر یا ثروت می‌خواهی به تو می‌دهیم، به شرط آنکه از ادعای خود دست برداری، ایشان فرمود: «اگر خورشید را در دست راستم بگذارند و ماه را در دست چپم، از هدفم دست برنمی‌دارم تا اینکه در این راه هلاک گردم یا خداوند مرا نصرت داده و بر آنان غالب آیم» (ابن هشام حمیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۴). به شهادت تاریخ، هیچ خطری نمی‌توانست مانع پیامبران در راه دفاع از حق و حقیقت شود. ایشان گاه جان خود را در این راه فدا می‌کردند (بقره، ۶۱)، گاه مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گرفتند (حجر، ۶) و گاه به تبعید و اخراج از شهر و دیار خود تهدید می‌شدند (اعراف، ۸۲)؛ اما هیچ‌یک از این سختی‌ها، ذره‌ای از عزم و اراده آن‌ها در راه دفاع از حقیقت نمی‌کاست.

۲.۳.۳. اصلاح رابطه با خدا

در نهج البلاغه (حکمت ۸۹) آمده است: «من اصلاح ما بینه و بین الله اصلحه الله ما بینه و بین الناس»؛ در این حکمت، حضرت علی علیه السلام به پیوند عمیق انسان با خدا و رابطه‌اش با دیگران اشاره می‌کند. ایشان می‌فرماید اگر کسی در درجه اول، رابطه خود با خدا را اصلاح کند و به وظایف و تکالیف دینی خود عمل نماید، خداوند نیز به زندگی دنیوی و اجتماعی او برکت و نظم می‌بخشد؛ به عبارت دیگر، صلاح و درستی در روابط با خدا، مبنای صلاح و درستی در روابط با دیگران است.

وقتی انسان در سایه تربیت دینی و عبودیت الهی حرکت می‌کند و تابع حق و حقیقت می‌شود، به تدریج به مراتبی از مجذوبیت به حق نائل می‌شود و در سایه عشق به حق، همه علائق او در جهت حق قرار می‌گیرد (سادات، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). کسانی که در مقامات عبودیت بالا می‌روند، ارزش‌های انسانی، از جمله عقل، عشق، قدرت و عزت، در آن‌ها قوی‌تر می‌شود؛ چون همه این‌ها مظاهر ذات حق و صفات کمالیه هستند و وقتی که انسان به خدا نزدیک شد، ارزش‌های انسانی در او بیشتر می‌شود.



(مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۳۱۶) و این امر زمینه اعتماد دیگران به وی را فراهم می‌کند.

در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بارها با صفت «عبد» وصف شده است؛ در آیه ۹ سوره حدید آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ﴾؛ حقیقت عبودیت این است که انسان از تحت فرمان مولا قدمی بیرون نگذارد و انانیتی برای خود قائل نشود. بی‌شک، مقام عبودیت برای انسان بالاترین مقام است؛ حتی از مقام رسالت بالاتر است؛ چنانچه در تشهد نماز، عبودیت بر رسالت مقدم شده است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۴۲۳).

طبق آیات قرآن، تمام انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله از صالحان بوده‌اند ﴿كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام، ۸۵) و آرزوی ملحق شدن به آنان را داشته‌اند؛ چنان که حضرت یوسف علیه‌السلام فرمود: ﴿وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ (یوسف، ۱۰۱) و ما نیز در پایان هر نماز به آنان سلام می‌فرستیم: ﴿السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ﴾ (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۴۶).



نتیجه‌گیری

در این مقاله، راه‌های اعتمادسازی انبیا در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم بررسی و نتایج زیر حاصل گردید:

اعتماد، عنصر اساسی در هر نوع رابطه‌ای (چه شخصی و چه حرفه‌ای) است. بدون اعتماد، روابط سست و شکننده است و هر نوع تأثیرگذاری و همکاری دشوار و چه بسا غیرممکن می‌شود. با تتبع در آیات قرآن کریم دریافتیم انبیای الهی علیهم‌السلام در راستای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی، از روش‌های مختلفی برای جلب اعتماد مخاطبان خود استفاده می‌کردند. در این مقاله، از طریق استقرای ناقص، تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها را معرفی و در سه دسته شناختی، عاطفی و رفتاری تبیین کردیم که عبارت‌اند از:

- روش‌های شناختی: زیست مشترک با مترینان و مردم، و زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد شناختی؛
- روش‌های عاطفی: ایجاد پندارهٔ سنخیت برای مربی و درک او، خالص کردن دعوت خویش از هرگونه شائبهٔ مادی، و زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد عاطفی؛
- روش‌های رفتاری: تطابق گفتار و رفتار، زیست اخلاقی مربی مرتبط با بُعد رفتاری، و اصلاح رابطه با خدا.

ره‌آورد پژوهش پیش رو این است که از طریق جری و تطبیق روش‌های طرح‌شده در عرصهٔ تربیت اخلاقی بر سایر افراد و عرصه‌ها، تک‌تک این روش‌ها نه‌تنها برای والدین و مربیان تربیتی که برای داعیه‌داران امر حکومت و فعالان عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... قابل بهره‌وری است. در وهلهٔ اول بایسته است طلاب و مبلغان علوم دینی، به‌عنوان عهده‌داران امر تربیت اخلاقی در عصر حاضر، به‌جای تبلیغ خطابی (یعنی بیان مستقیم و مکرر گزاره‌های دینی) با الگوگیری از سنت انبیا الهی، زیست مشترک با مردم را پیشهٔ خود سازند و با هدف اعتمادسازی در بین مردم استقرار یافته و در مرآ و منظر مردم باشند، خیرخواهی و

دلسوزی خود را در قبال مردم اثبات کنند، با مردم صادق و یک‌رنگ باشند، خود را از مردم دانسته و مشکلات و درد ایشان را درد و مشکل خود بدانند، خود را تافتهٔ جدا بافته نپندارند، خلوص نیت خود را به مردم نشان دهند و برای پول و مقام کار نکنند، به وعده‌های خویش عمل کرده و قاطعانه پای حرف و باورهایشان ایستادگی کنند تا از این رهگذر مقبولیت نزد مردم را به دست آورند. مخلص کلام اینکه هرگونه موفقیت و پیشرفت در هر عرصه‌ای مبتنی بر اعتماد است و لازم است برای برای اعتمادسازی از شیوه‌های مطمئن و آزموده‌شده استفاده شود.





کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

آنسلمو، ساندر (۱۳۷۹)، رشد دوره اولیة کودکی؛ پیش از تولد تا هشت سالگی، ترجمه علی آخشینی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم، قم: دار الحديث.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر معروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
ابن هشام حمیری معافری، عبدالملک (بی تا)، زندگانی محمد ﷺ، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: کتابچی.

بناری، علی همت (۱۳۷۹)، «تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن»، تربیت اسلامی، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۹۲.

بهشتی، احمد (بی تا)، تربیت از دیدگاه اسلام، قم: دفتر نشر پیام.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، چاپ دوم، تهران: برهان.

جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: هجرت.
جلالی، حسین (۱۳۸۰)، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن ها»، معرفت، ش ۵۰، ص ۴۵-۵۵.

جمعی از نویسندگان (زیر نظر استاد محمدتقی مصباح یزدی) (۱۳۹۱)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).



- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (ج ۶): سیره پیامبران در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (ج ۱۸): ادب توحیدی انبیاء در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، دانش و روش بندگی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱ق)، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۳۲ق)، تسنیم فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۳۷ق)، ادب فنای مقربان، چاپ دوم، قم: اسراء.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- داوودی، محمد (۱۳۹۸)، نقش معلم در تربیت دینی، چاپ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر.
- سادات، محمدعلی (۱۳۸۱)، اخلاق اسلامی، تهران: سمت.
- ساعی، علی (۱۳۹۰)، تحلیل فازی اعتماد اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی‌عشری، تهران: میقات.
- شولتز، دوان (۱۳۹۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران: ارسباران.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.



طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.

طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، طیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام.

عمید، حسن (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر.

فتحعلی خانی، محمد (۱۳۷۹)، «رابطه دین و تربیت اخلاقی»، تربیت اسلامی، ش ۲، ص ۹۱-۱۰۶.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرائتی، محسن (۱۳۹۷)، مهارت معلمی، چاپ چهارم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چاپ سوم، قم: اسوه.

کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی»، راهبرد یاس، ش ۱۷، ص ۱۲۴-۱۴۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دایرةالمعارف قرآن کریم، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار (ج ۲۳: آزادی معنوی)، چاپ هشتم، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علی‌السلام.

مک‌لاود، کارولین (۱۳۹۵)، اعتماد، ترجمه امیرحسین خداپرست، تهران: ققنوس.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

A Group of Authors (under the supervision of Professor Mohammad-Taqi Mesbah Yazdi) (۲۰۱۲). *Philosophy of Islamic Education*. Second edition. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Amid, Hassan (۱۹۷۸). *Amid Persian Dictionary*. ۶th Edition. Tehran: Amir Kabir.

Anselmo, Sandra (۲۰۰۰). *Early Childhood Development; From Birth to Eight Years*. Translated by Ali Akhshini. Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.

Beheshti, Ahmad (n.d.). *Education from the Perspective of Islam*. Qom: Office of Payam Publishing.

Benari, Ali Hemmat (۲۰۰۰). "Moral Education and the Necessity of a New Look at It". *Islamic Education Journal*, No. ۲, pp. ۱۶۵-۱۹۲.

Center for Culture and Knowledge of the Quran (۲۰۰۳). *Encyclopedia of the Holy Quran*. Third Edition. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary.

Chalabi, Masoud (۱۹۹۶). *Sociology of Order; Explanation and Theoretical Analysis of Social Order*. Tehran: Ney.

Davoodi, Mohammad (۲۰۱۹). *The Role of the Teacher in Religious Education*. ۷th edition. Qom: Research Institute of Seminary and University.

Fathali Khani, Mohammad (۲۰۰۰). "The Relationship between Religion and Moral Education". *Islamic Education Journal*, No. ۲, pp. ۹۱-۱۰۶.

Giddens, Anthony (۱۹۹۹). *Modernity and Self-Identity*. Translated by Naser Movafaqian. Tehran: Ney.

Hashemi Rafsanjani, Akbar (۲۰۰۷). *Tafsir Rahnama*. Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary.

Ibn Ashur, Muhammad Tahir (۱۹۹۹). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir, known as Tafsir Ibn Ashur*. Beirut: al-Tarikh Institute.

Ibn Hisham Himyari Maafari, Abdul Malik (n.d.). *The Life of Muhammad (PBUH)*. translated by Sayyid Hashim Rasuli Mahallati. Qom: Ketabchi.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokram (۱۹۹۳). *Lisan al-Arab*. Third edition. Beirut: Dar Sader.

Ibn Shuba Harani, Hasan ibn Ali (۱۹۸۳). *Tuhaf al-Uqul*. Second edition. Qom: Dar al-Hadith.

Jafari, Yaqub (۱۹۹۷). *Tafsir Kowsar*. Qom: Hijrat.

Jalali, Hossein (۲۰۰۱). "An Introduction to the Discussion of Insight, Inclination, Action and Their Mutual Effects". *Ma'rifat Journal*, No. ۵۰, pp. ۴۵-۵۵.

Javadi Amoli, Abdullah (۱۹۸۰). *Interpretation of Man to Man*. Qom: Esra Publishing.

Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۱۰). *Tasnim in the Interpretation of the Quran*. Second edition. Qom: Esra.

Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۱۰). *Thematic Interpretation of the Holy Quran (Vol. 6): The Conduct of the Prophets in the Quran*. Qom: Esra.

Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۱۵). *Knowledge and the Method of Servitude*. Qom: Esra.

Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۱۵). *The Etiquette of the Annihilation of the Near Ones*. Second edition. Qom: Esra Publishing.

Javadi Amoli, Abdullah. (۲۰۱۲). *Thematic Interpretation of the Holy Quran (Vol. 18): The Monotheistic Etiquette of the Prophets in the Quran*. Qom: Esra.

Kouhkan, Alireza (۲۰۰۹). "Components of Islamic Social Capital". *Yas Strategy Journal*, No. ۱۷, pp. ۱۲۴-۱۴۱.

Kuleyni, Mohammad ibn Yaqub (۱۹۹۶). *Usul al-Kafi*. Translated by Mohammad Baqir Kamarei. Third Edition. Qom: Osveh.

MacLeod, Caroline (۲۰۱۶). *Trust*. Translated by Amir Hossein Khodaparast. Tehran: Qoqnoos.

Makarem Shirazi, Naser (۱۹۹۲). *Tafsir Nemooneh*. ۱۰th Edition. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiya.

Makarem Shirazi, Naser (۱۹۹۸). *Ethics in the Quran*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School

Motahari, Morteza (۱۹۹۳). *Collected Works (Vol. 23: Spiritual Freedom)*. ۸th Edition. Tehran: Sadra.

Payandeh, Abolqasem (۲۰۰۳). *Nahj al-Fasaha*. ۴th edition. Tehran: Donyaye Danesh.

Qarati, Mohsen (۲۰۰۹). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.

Qarati, Mohsen. (۲۰۱۸) *Teaching Skills*. ۴th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.

Qorashi, Ali Akbar (۱۹۹۶). *Tafsir Ahsan al-Hadith*. Second Edition. Tehran: Bethat Foundation.

Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (۲۰۰۸). *Tafsir Quran Mehr*. Qom: Researches of Interpretation and Quranic Sciences.

Sadat, Mohammad Ali (۲۰۰۲). *Islamic Ethics*. Tehran: SAMT.

Sadeghi Tehrani, Mohammad (۱۹۸۶). *al-Furqan fi Tafsir al-Quran be al-Quran wa al-Sunnah*. Second Edition. Qom: Islamic Culture.

Saei, Ali (۲۰۱۱). *Fuzzy Analysis of Social Trust*. Tehran: Society and Culture.

Schultz, Duane (۲۰۱۹). *Theories of Personality*. Translated by Yousef Karimi and others. Tehran: Arasbaran.

Shah abdolazimi, Hossein (۱۹۸۴). *Tafsir Ethna Ashari*. Tehran: Miqat.

Tabatabaei, Mohammad Hossein (۱۹۹۵). *Translation of Tafsir al-Mizan*. Qom: Islamic Publications Office.

Tayyeb, Abdolhossein (۱۹۹۰). *Atiyyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Second Edition. Tehran: Islam.

Thaqafi Tehrani, Muhammad (۱۹۷۷). *Ravan Javid dar Tafsir Quran Majid*. Second edition. Tehran: Borhan.

Tousi, Mohammad Ibn Hasssn (۱۹۹۳). *al-Amali*. Qom: Dar al-Theqafah

Zuhayli, Wabbah (۱۹۹۷). *al-Tafsir al-Munir fi al-Aqidah wa al-Sharia wa al-Manhaj*. Second edition. Beirut: Dar al-Fikr.